



Scientific Journal Quarterly of Middle East Studies

Vol 31. No 3. Autumn 2024

Received date: 2024.06.17

Acceptance date: 2024.12.21



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: 20.1001.1.15601986.1403.31.3.1.5

The role of social changes in Iraqi contemporary arts from 2003 to 2023

Somayeh Doostannezhad¹, Sediqeh Pourmokhtar²



Abstract

Social changes have always played a significant role in the artistic transformations of a country. These changes can have extensive effects on artists, guiding them toward the creation of new and innovative works. Contemporary arts, as a primary influencing factor in relation to culture and society, play a substantial role in representing and interpreting social changes. This article aims to investigate the impacts of social changes in contemporary Iraqi art over the past two decades, based on the theory of Guy Rocher (1994-present), a sociologist and contemporary theorist, and to interpret and uncover the most significant events influenced by these changes. Rocher defines social change as an observable phenomenon within a specific time and spatial context. This theory emphasizes the importance of the structures and functions of social organizations for social changes. Rocher examines the factors, conditions, and agents of change as a triadic process for shaping social change. Utilizing the insights from this theorist, this research seeks to analyze contemporary Iraqi artworks from 2003 to 2023 and their responses to social changes. The central questions of this research are: 1. How have social changes in Iraq from 2003 to 2023 influenced the country's contemporary arts? 2. What role have transformations played in shaping the responses of Iraqi artists to contemporary art forms? The findings indicate that these changes have led to serious alterations in the concepts, forms, content, and subjects of their works. Contemporary Iraqi art, in recent decades from 2003 to 2023, manifests profound social and political transformations in the country's history. The research methodology combines comparative qualitative methods with library-based data collection.

Keywords: Social Changes, Iraq, Guy Rocher Theory, Contemporary Art.

1 - Master's degree, Art Research Department, Faculty of Art, Shahed University, Tehran, Iran.

2 - Assistant Professor, Art Research Department, Faculty of Art, Shahed University, Tehran, Iran.



مرکز پژوهش‌های علمی و
مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه علمی مطالعات خاورمیانه

سال ۳۱، شماره ۳، پیاپی (۱۱۷)، پاییز ۱۴۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

Home page: www.cmess.sinaweb.net

DOR: ۲۰.۱۰۰۱.۱.۱۵۶۰۱۹۸۶.۱۴۰۳.۳۱.۳.۱.۵

نوع مقاله: پژوهشی

نقش تحولات اجتماعی در هنرهای معاصر عراق از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۲۳^۱

سمیه دوستان نژاد^۲، صدیقه پورمختار^۳



چکیده

تغییرات اجتماعی همواره نقش مهمی در تحولات هنری یک کشور ایفا می‌کنند. این تغییرات می‌توانند تأثیرات گسترده‌ای بر هنرمندان داشته باشند و آنها را به سمت ایجاد اثرات جدید و نوآورانه هدایت کنند. هنرهای معاصر، به عنوان یکی از موارد اصلی تأثیرگذار در ارتباط با فرهنگ و جامعه، نقش زیادی در بازنمایی و تفسیر تغییرات اجتماعی دارند. این مقاله، با هدف شناخت تأثیرات تغییرات اجتماعی در دو دهه اخیر در هنرهای معاصر کشور عراق بر اساس نظریه گي روشه (۱۹۹۴) جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز حال حاضر مورد بررسی قرار گرفته است. روشه تغییر اجتماعی را به عنوان یک پدیده قابل مشاهده در یک محدوده زمانی و مکانی خاص تعریف می‌کند. این نظریه بر اهمیت ساختار و وظایف سازمان‌های اجتماعی برای تغییرات اجتماعی تأکید دارد. روشه به عنوان یک فرایند سه‌گانه برای شکل‌گیری تغییر اجتماعی، عوامل، شرایط و کارگزاران تغییر را مورد بررسی قرار می‌دهد. پرسش‌های این تحقیق ۱. تغییرات اجتماعی در عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ چگونه بر هنرهای معاصر این کشور تأثیرگذار بوده‌اند؟ ۲. تحولات چه نقشی بر کنش هنرمندان عراق در تغییر شکل‌های هنر معاصر داشته‌اند؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تغییر و تحولات باعث شده تا آثار آنها دارای تغییرات جدی در مفاهیم، فرم، محتوا و موضوعات خود شوند. هنر معاصر عراق در دو دهه اخیر و از سال ۲۰۰۳ تا سال ۲۰۲۳، تجلی‌گر تحولات عمیق اجتماعی و سیاسی در تاریخ این کشور است. روش پژوهش، تطبیقی از مجموعه روش‌های کیفی و شیوه گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است.

واژگان کلیدی: تغییرات اجتماعی، عراق، نظریه گي روشه، هنر معاصر.

۱ - این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «تأثیر تغییرات اجتماعی در نقاشی معاصر ترکیه و عراق بر اساس آرای گي روشه» و راهنمایی نویسنده دوم در دانشکده هنر دانشگاه شاهد می‌باشد.

۲ - کارشناسی ارشد، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۳ - (نویسنده مسئول) استادیار، گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران. S.pourmokhtar@shahed.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

هنر همواره یکی از مهم‌ترین عناصر بازنمایی فرهنگی است که تحت تأثیر تغییرات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، تحولات چشمگیری را تجربه می‌کند. هنرهای معاصر، به‌عنوان یکی از موارد اصلی تأثیرگذار در ارتباط با فرهنگ و جامعه، نقش زیادی در بازنمایی و تفسیر تحولات اجتماعی دارند. در قرن بیست و یکم، هنرهای معاصر در عراق تحت تأثیر تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته‌اند. این تحولات نه تنها بر هنرمندان اثرات بسزایی داشته‌اند بلکه بر خود هنرها نیز تأثیرگذار بوده‌اند. انقلاب ۲۰۱۱ در عراق، منجر به تغییرات عمیق در اجتماع و فرهنگ شد که در نتیجه به پدیدار شدن یک روحیه نو فهمیدنی در هنرهای معاصر عصر مدرن این کشور منجر شد. می‌توان گفت که تغییرات اجتماعی در عراق در دوره معاصر و از جمله دوره پسا بعثی بسیار تأثیرگذار و مهم بوده و هنرهای معاصر این کشور نیز اثرات قابل توجهی از این تغییرات در خود جای داده است. در این مقاله، به بررسی نقش تحولات اجتماعی در هنرهای معاصر عراق و بررسی عوامل و شرایطی که موجب این تحولات پرداخته و مهم‌ترین رخدادهای متأثر از تغییرات را بر اساس آرای گی روشه تفسیر و کشف می‌کند. نظریه گی روشه، یکی از مهم‌ترین نظریه‌های تحلیلی و بررسی شناختی است که بر اساس آن، ایده‌ها، اعتقادات و نگرش‌های اجتماعی و فرهنگی، تغییرات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی در ارتباط با تحولات و تغییرات اجتماعی انجام شده‌اند که به بررسی و تحلیل موارد مختلفی از این تغییرات می‌پردازند از آن جمله: کلاه‌کج (۱۴۰۰) مقاله پژوهشی با عنوان «تأثیر تغییرات اجتماعی بر یکصد سال گرافیک معاصر ایران» (بر اساس نظریه تغییر اجتماعی گی روشه)، به هدف شناخت تأثیرات تغییرات اجتماعی بر گرافیک معاصر ایران پرداخته و رویدادهای اصلی تحت تأثیر تغییرات اجتماعی در ایران را جزئیات نظر و بررسی کرده است. در مطالعه جامعه‌شناختی «مطالعه جامعه‌شناختی سیر تکوینی هنر نقاشی ایران ۱۳۰۴-۱۳۵۷ با تکیه بر مدل نظری روبرت و سنو» نوشته سنگ سفیدی و مهتاب در سال (۱۴۰۰) هدف اصلی از این تحقیق، بررسی بسترهای اجتماعی که تکوین هنر نقاشی در این دوره را ترویج داده‌اند و تحلیل ارتباط علتی و معلولی بین هنر و جامعه است. حسینی، مریدی (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی هنر ایران و ترکیه در بستر تحولات اجتماعی دوران مدرن» انجام دادند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در دوران مدرنیزاسیون، سه گرایش عمده در هنر نقاشی در ایران و ترکیه پدید آمده است. مهاجری و حسونند (۱۳۹۵) به «مقایسه و تحلیل

جامعه‌شناسانه مسائل نقاشی ایران در دوره معاصر» پرداخته است. صبحی، مهدی نژاد، احمدی طباطبایی (۱۳۹۵) پایان‌نامه «تأثیر سیاست و جامعه در آثار هنرهای تجسمی ایران؛ دهه ۶۰ تا کنون (مطالعه موردی: شیرین نشاط)»، در این پایان‌نامه هدف تأثیر سیاست و جامعه در آثار هنرمندان هنرهای تجسمی ایران از دهه ۶۰ تا کنون است. ریحانی (۱۳۹۲) در مقاله «درآمدی بر شناخت تحولات سیاسی عراق؛ انتفاضه مردم در نوامبر ۱۹۵۲» به بررسی تحولات سیاسی معاصر عراق از دهه ۵۰ میلادی تا سقوط جمهوری عبدالکریم قاسم در سال ۱۹۶۳ می‌پردازد. هدف مقاله تحلیل انتفاضه ۱۹۵۲ و واکنش‌های دولت است، همچنین ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از حوادث مشابه. خدایی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های دموکراسی‌سازی در عراق پس از صدام» به تحلیل چالش‌های دموکراتیزه شدن در عراق از منظر سازه‌انگاری می‌پردازد. نویسنده با استفاده از نظریه سازه‌انگاری و بررسی سه مؤلفه ساختار اجتماعی، هویت کنشگران و ماهیت ساختار کارگزار، نتیجه می‌گیرد که این ناهمگونی، رقابت میان بازیگران را تشدید کرده و به یک ساختار سیاسی غیر منسجم منجر شده است. پیشینه در خارج از ایران در زمینه هنر معاصر عراق منابع مکتوب محدودی وجود دارد از جمله می‌توان به: محمد السدون در مقاله خود با عنوان «هنر معاصر عرب از منظر جهانی» به بررسی وضعیت هنر معاصر عرب از نظر ارتباط آن با جهانی شدن می‌پردازد؛ این مقاله به عملکرد، رویکردها و مفاهیم هنر معاصر عرب در این عصر جهانی می‌پردازد. محمد السدون در پایان‌نامه دکترا با عنوان «تحلیل متنی هنر معاصر عراق با استفاده از شش مطالعه موردی»، در سال (۱۹۹۹) به بررسی و تحلیل هنر معاصر عراق با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی و با استفاده از شش مورد مطالعه پرداخته است. خلاصه این مطالعه: به بررسی رویکردهای متنوع و انتخابی هنرمندان عراقی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا هویت هنری آنها را تعریف کند. این پژوهش به بررسی تغییرات در هنر عراق می‌پردازد. قاسم سعد «هنر معاصر عراق: خاستگاه‌ها و توسعه»، این مطالعه به بررسی هنر معاصر عراق و ریشه‌ها و توسعه آن می‌پردازد و نگاهی اجمالی به توسعه این جنبش خواهد داشت که از طریق کار خلاقانه بسیاری از هنرمندان عراقی که در داخل و خارج از عراق زندگی می‌کنند، با توجه ویژه به گفتمان «بازسازی» که پایه‌ای برای برخی از موضوعات مهم تکراری هنر اخیر عراق است، تکامل می‌یابد.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

این مقاله، با هدف شناخت تأثیرات تحولات و تغییرات اجتماعی در دو دهه اخیر هنر معاصر کشور عراق بر اساس نظریه گی روشه جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز مورد بررسی قرار گرفته و مهم‌ترین رخدادهای متأثر از تغییرات را تفسیر و کشف می‌کند. پرسش‌های اساسی این تحقیق ۱. تغییرات اجتماعی در عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ چگونه بر هنر معاصر این کشور تأثیرگذار بوده‌اند؟ ۲. تحولات چه نقشی بر کنش هنرمندان عراق در تغییر شکل‌های هنر معاصر داشته‌اند؟

چارچوب نظری

یکی از نظریه‌پردازان تغییرات اجتماعی، گی روشه (۱۹۲۴) جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز حال حاضر کانادا می‌باشد. از نظر روشه، تغییر اجتماعی عبارت است از پدیده‌های قابل رؤیت در طول مدت زمانی کوتاه، به صورتی که هر شخص در طول زندگی یا دوره کوتاهی از آن بتواند، این تغییر را لمس کند و نتیجه قطعی یا موقتی آن را دریابد. از دیدگاه وی، تغییر اجتماعی در یک محدوده یا چارچوب جغرافیایی و اجتماعی، محدود و مشخص صورت می‌پذیرد؛ به عبارت دیگر، تغییر اجتماعی، تغییری مشخص و ملموس در طول زمان است که گذرا و مداوم نباشد و بر ساخت و وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر بگذارد و جریان تاریخی آن را دگرگون کند (Rights, 1987: 26-30). گی روشه ضمن تفاوت قائل شدن میان تغییر و تحول اجتماعی، مشخصات تحول اجتماعی را این گونه بیان می‌کند: تحول اجتماعی، معمولاً مجموعه‌ای از تغییراتی است که در طول یک دوره طولانی و در بازه زمانی طول عمر یک یا شاید چند نسل، رخ دهد؛ به عبارتی تحول اجتماعی، مجموعه فرایندی است که در یک مدت زمان کوتاه، نتیجه آن قابل ملاحظه نیست و مانند منظری واحد، از انبوه جزئیاتی است که تنها از ارتفاع زیاد قابل رؤیت است (Ibid: 26). خصوصیات تغییر اجتماعی و چگونگی آن از نظر روشه به این شرح است: ۱. باید در بخش مهمی از یک جامعه، فراگیر باشد. ۲. باید تغییر ساختی باشد و در کل سازمان اجتماعی و بعضی از قسمت‌های تشکیل‌دهنده آن حاصل شود. ۳. تغییر اجتماعی در طول زمان، قابل شناسایی است؛ به عبارت دیگر، باید در محدوده زمانی مشخص، تغییر حاصل شود و یا نتیجه آن ملموس باشد. ۴. تغییر اجتماعی برای آنکه یک تغییر ساختی باشد باید مداوم و استوار باشد و به عبارت دیگر سطحی گذرا نباشد (Ibid: 29). روشه در کتاب خود، تغییر اجتماعی، پس از بیان چستی تغییر اجتماعی، به سه مؤلفه: عوامل تغییر، شرایط تغییر و کارگزاران تغییر که غالباً در تغییر اجتماعی، مورد

توجه قرار دارند، اشاره کرده است. از نظر روشه، عامل تغییر عنصری است که به علت عمل یا موجودیتش، موجب تغییر وضعیتی مشخص می‌شود. وی شرایط اجتماعی را عناصر مناسب یا نامناسبی می‌داند که اثر یک یا چند عامل تغییر را کندتر یا تندتر می‌کند. از نظر روشه کارگزاران تغییر نیز اشخاص گروه‌ها و انجمن‌ها هستند که از آن تغییر استقبال یا با آن مخالفت می‌کنند (Rights, 1987: 33). در این پژوهش، با تأکید بر سه مؤلفه عامل‌های تغییر، شرایط تغییر و کارگزاران تغییر به بررسی نقش تغییرات اجتماعی در هنرهای معاصر عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ پرداخته شده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از دسته مطالعات فرهنگی رویکرد کیفی است. روش تحلیل این پژوهش، تفسیری تاریخی است. در این مقاله پدیده‌ها، وقایع و تغییرات مهم هنرهای معاصر عراق که برآمده از کتاب‌ها، مقالات، نوشتار، گفتارها است، در دو دهه اخیر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. بر اساس آنچه در روش‌های پژوهش، از آن به نام «استقراء» یاد شده، اجزای گفته شده، جمع‌آوری و سپس تحلیل شده است. تحلیل‌های این پژوهش برآمده از وقایع و رویدادهای هنری عراق، تحت تأثیر تغییرات اجتماعی است. به علت گستردگی این وقایع و آثار برخی هنرمندان نقاش برای دستیابی به نتیجه بهتر و تحلیلی دقیق‌تر، مهم‌ترین وقایع و رویدادهایی که در تاریخ ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ در دو دهه هنرهای معاصر عراق اتفاق افتاده، انتخاب و بر اساس نظریه تغییرات اجتماعی روشه تحلیل و بررسی شده است.

سیر تحول تاریخ معاصر عراق

خاورمیانه یکی از نواحی پر تب و تاب سیاسی جهان است. این منطقه که به طور گسترده به‌عنوان منطقه‌ای خشونت‌آفرین و خطرناک شناخته شده است، دارای یک تاریخ بیش از چند هزارساله است که پر از اختلافات و تنش‌های سیاسی و اجتماعی است (محمدی، ۱۳۹۷: ۱۱۵-۱۱۳). از دیرباز تا کنون، منطقه خاورمیانه تحت تأثیر و تحکم قدرت‌های بزرگی نظیر امپراطوری‌های روم، عرب، ترک و حتی دستاوردهای استعماری و امپریالیستی قرار گرفته است. انحصاری‌ترین مشکلات این منطقه می‌تواند به وجود تفاوت‌های فرهنگی، قومیتی و دینی، فقر اقتصادی و عدم توازن در توزیع منابع طبیعی در داخل آن اشاره کرد (محمدی، ۱۳۹۷: ۱۳۸) عراق، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین مراکز تضادهای سیاسی و نظامی در خاورمیانه شناخته می‌شود. این کشور در طی سال‌های گذشته بارها توجه کشورهای خارجی و سازمان‌های بین‌المللی را به خود جلب کرده است. تاریخ معاصر عراق، پر از تنش و منازعات

سیاسی و خونین است. از زمان فروپاشی امپراطوری عثمانی در سال ۱۹۲۰، بیشتر کشورهای عرب که قبلاً بخشی از امپراطوری عثمانی بودند، تحت استعمار فرانسه و انگلیس قرار گرفتند. عراق نیز تحت حکومت بریتانیا قرار گرفت و حکومت هاشمی با حمایت بریتانیا در سال ۱۹۲۱ آغاز شد. در طول جنگ جهانی دوم، عراق مجدداً توسط بریتانیا اشغال شد. از دهه ۱۹۵۰ به بعد، عراق به استقلال رسید و سرنوشت خود را با کودتای عبدالکریم قاسم در انقلاب ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ تغییر داد. این کودتا باعث پایان حکومت سلسله حاکم هاشمی شد و نظام جمهوری در سال ۱۹۶۳ آغاز شد. در این دوره، دو کودتای نافرجام بعثی در سال‌های ۱۹۶۳ و ۱۹۶۸ رخ داد که منجر به حکومت بعث برای بیش از سه دهه و جنگ‌های پرخطری شد. این دوران، فرصتی برای بازتعریف ملیت عراق بود و سه جنگ بزرگ شامل جنگ عراق و ایران، تصرف کویت توسط عراق و حمله نظامی آمریکا به عراق رخ داد. به دلیل عدم همکاری صدام حسین با آمریکا و کارشناسان سازمان ملل در خصوص سلاح‌های کشتار جمعی و حضور القاعده در عراق، جبهه ائتلاف با فرماندهی آمریکا در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ میلادی به عراق حمله کردند؛ به دنبال این حمله به حاکمیت حزب بعث عراق پایان داده شد. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و سقوط صدام باعث تحولاتی نوین در عراق شد. نابودی حزب بعث، قدرت‌گیری شیعیان، قومیت‌گرایی و نظام پارلمانی و دموکراسی رو به رشد مبتنی بر شرکت تمامی قومیت‌ها و طوایف موجود در روند قدرت عراق از خصوصیات آن است (سلامی، ۱۳۹۰: ۶۷). از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۴ عراق توسط نمایندگان آمریکا در عراق اداره می‌شد و از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۶ شورای حکومتی موقت، کشور عراق را اداره می‌کرد. این رویدادها چالش‌های بسیاری برای هویت ملی عراق ایجاد کردند. خروج نیروهای آمریکایی از عراق، مرحله‌ای حیاتی در تحولات سیاسی و امنیتی این کشور بود که تأثیر گسترده‌ای بر ژئوپلیتیک منطقه خاورمیانه داشت. با گذشت زمان، عراق با بحران‌های مختلفی مواجه شد، از جمله شورش‌ها، جنگ داخلی، تنش‌های بین دولت مرکزی و گروه‌های کُرد و فعالیت‌های گروه‌های تروریستی مانند داعش و النصرة. این موضوعات باعث شکست‌های سیاسی و امنیتی گردیدند که تأثیرات گسترده‌ای بر صحنه‌های بین‌المللی اعم از امنیت و سیاست داشتند. این بحران‌ها از عوامل اصلی‌ای بودند که به تازگی در ژئوپلیتیک جدید عراق نقش آفریدند. بدون شک، عراق در طول این سال‌ها دوران تاریکی را پشت سر گذاشته است. تحولات اخیر در منطقه خاورمیانه نیز برای عراق منجر به خطرات بسیاری شده است. حملات داعش، این کشور را به آستانه فروپاشی و تجزیه تشویق کرد. گروه‌های سنی علیه عملکرد دولت نوری المالکی اعتراض کردند و فشارهای سیاسی بر دولت مرکزی

افزایش یافت. ظهور داعش به عراق بعد از سقوط حکومت صدام، بزرگ‌ترین چالش برای هماهنگی دولت و مردم در این کشور بود و با شکست داعش، این روند دوباره تقویت شد و عراق تبدیل به یک کشور نسبتاً پایدار و قدرتمند شد که مهم‌ترین نیاز یعنی امنیت عمومی را نیز تأمین کرد. (محمدی، ۱۳۹۷: ۲۳۱-۲۱۵).

کشور عراق همواره شاهد ناامنی و ناپایداری‌های سیاسی بسیاری از جمله تسلط دولت عثمانی در قرن پانزدهم میلادی و تقسیم عراق به سه ولایت بصره، موصل و بغداد در قرن هفدهم میلادی بوده است. سقوط دولت عثمانی، اشغال عراق توسط انگلیس و مبارزه مردم با استعمار، دولت عراق شکل گرفت و از این تاریخ تا سال ۲۰۰۳ م و سقوط رژیم بعث، حکومت‌های بحران‌زده و غیر مستقر زیادی یکی پس از دیگری بر سرکار آمدند. از طرفی کشور عراق شامل قومیت‌های متعددی چون عرب، کرد، ترک، آشوری، اکدی، ارمنی و مذاهب فراوانی از قبیل سنی، شیعی، مسیحی، یهودی، صائبی و یزیدی است و وجود این ناپایداری‌های سیاسی و تعدد قومیت‌ها و مذاهب، همان چیزی است که عده فراوانی به دنبال آن بودند و تا کنون نیز هستند کسانی که در پی خاورمیانه‌ای با کشورهای کوچک و تفکیک یافته و نابودی اقتصاد، تاریخ و دین و تسلط بر ثروت به‌ویژه نفت این کشورها و ایجاد امنیت برای منافع خود و تمام تلاش را برای ناامنی منطقه و تقسیم آرام کشور عراق به کار گرفتند. حکومت بعث نیز برای گسترش درگیری‌های قومی-مذهبی بیکار نشست و دامنه فعالیت مؤسساتی که برای ایجاد این تفرقه‌افکنی‌ها و درگیری‌ها تلاش می‌کردند را توسعه بخشید و اقدام به نشر کتاب‌هایی برای برانگیختن این فتنه نمود و همچنین صدام حسین به علمای وهابی و تکفیری عربستانی، اجازه ورود به عراق و نشر عقاید خود را داد و پس از سقوط حزب بعث، بعثیانی که به ریختن خون بی‌گناهان عادت کرده‌اند و هوس بازگشت به حاکمیت یا نابودی کشور را در سر می‌پروراند، به این امر دامن زدند تا به اهداف سیاسی خود دست یابند و جناح‌های سیاسی که درگیری‌های عمیقی با یکدیگر داشتند از آزادی بیشتری برخوردار شدند. آنها به همراه تکفیری‌ها و سلفی‌ها، صف‌آرایی خود را تنظیم کردند و پایگاهی محکم در عراق و حتی مرزهای سوریه و اردن ایجاد کردند و عملیات تروریستی خود را با بمب‌گذاری و ترور افراد آغاز کردند و روزه‌روز به گسترش آن پرداختند (حیدری، ۱۴۰۳: ۲۰-۲۵).

پیشینه سیاسی اجتماعی عراق

جامعه عراق در سال‌های پیش از حمله به این کشور، به‌ویژه تحت فشار سیزده سال تحریم‌های شدید اقتصادی که از سوی جامعه بین‌المللی علیه رژیم صدام حسین اعمال شده بود، به شدت دچار آشفتگی

و بحران‌های سیاسی و اجتماعی شد. این تحریم‌ها که ابتدا به دلیل تجاوز عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ میلادی به اجرا درآمد، به تدریج اثرات عمیق و ویرانگری بر زندگی روزمره مردم عراقی گذاشت. اکثریت قاطع جمعیت به زیر خط فقر رانده شدند و این وضعیت به ناگزیر آنان را به اقداماتی نظیر فروش مایحتاج خود و حتی فروش اعضای بدنشان سوق داد (Alwan, 2014: 679).

تحریم‌ها به ساختار اقتصادی عراق ضربه مهلکی زد. در حالی که نخبگان و مقامات ارشد رژیم صدام به نوعی از این فشارها مصون بودند، مردم عادی با عواقب وخیم آن مواجه بودند. میلیون‌ها نفر از عراقی‌ها ناچار به فروش خانه‌ها، مزارع، مبلمان و حتی لباس‌های خود شدند تا بتوانند زیر حداقل زندگی کنند. گزارش‌های متعددی از مشکلات خانوادگی و اجتماعی ناشی از این وضعیت منتشر شده است (Salinger & Laurent, 1991). در مواردی دیگر، برخی از والدین برای تأمین غذای خانواده، دست به فروش اعضای بدن خود یا حتی فرزندانشان زدند. این وضعیت نه تنها زندگی مالی مردم را تحت شعاع قرار داد، بلکه سلامت روانی و اجتماعی آنان را نیز به شدت آسیب‌پذیر کرد. در چنین شرایطی، شبکه‌های حمایتی خانواده‌ها و همسایگان به تدریج در حال از بین رفتن بودند. روابط انسانی که بر اساس محبت و همکاری بنا شده بود به جای آنکه باعث ثبات و همبستگی شود، به ترس و گزارش‌دهی تبدیل شد. افراد به یکدیگر مشکوک شده و از گزارش دادن به پلیس مخفی که در تلاش برای حفظ نظم سیاسی رژیم بود، هراسان بودند. جامعه عراقی به یک فضای سرشار از رقابت و ترس تبدیل شده بود که در آن همکاری‌های اجتماعی و دوستی‌ها از بین رفته و افراد تنها به جغرافیا به یکدیگر مرتبط بودند. به نقل از دورکیم (۱۹۵۱)، این وضعیت به شرایط بی‌هنجاری یا آنومی منجر شد. جامعه به یک فضای انسانی و از لحاظ اجتماعی بی‌ثبات تبدیل شده بود که در آن اصول اخلاقی و هنجاری به طور کلی کمرنگ شده بودند. دولت تحت چنین شرایطی تنها قادر به حفظ قانون و نظم در طول روز بود و در شب، هرگونه نظارتی به کلی از بین می‌رفت (Alwan, 2014: 680). به طور کلی، عراق قبل و بعد از حمله به یک میدان جنگ اجتماعی و اقتصادی تبدیل شد. تأثیرات تحریم‌ها نه تنها به بحران اقتصادی، بلکه به فروپاشی شبکه‌های اجتماعی و انسانی منجر شد. گسست‌های عمیق در ارزش‌ها و روابط بین فردی، جامعه را به سمت بحران‌های انسانی و اجتماعی سوق داد. این مسائل به وضوح نشان‌دهنده پیوند عمیق بین زیست محیط‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است که بر زندگی شهروندان عراقی تأثیرگذار بوده و در نهایت پیامدهای این وضعیت بر زوایای مختلف زندگی اجتماعی آنان به وضوح نمایان بود.

هنر معاصر عراق

هر عصری دارای ویژگی‌های فکری، زیبایی‌شناختی و هنری خود است که تا حدودی به یک دوره زمانی خاص مربوط می‌شود. ویژگی‌های این دوره در روش‌ها تجسم یافته است. سبک نمایشی از ایده‌ها یا چیزهایی است که بر اساس تجربه و شناخت ما از آنها برای ما ظاهر می‌شود و سبک وسیله‌ای برای بیان تجربه ذهنی هنرمند است؛ تنها آینه‌ای است که در آن چیزهای بیرونی و ادراک خود منعکس می‌شود. سبک شدن شخص یا هنرمند است و ایده‌ها اساس سبک هستند (Jabra, 1356: 16). ماهیت هنر معاصر عراق به ارجاعات زیادی مربوط می‌شود که از هنرهای تمدن عراق باستان تا هنر اسلامی و میراث عامه‌پسند و همچنین هنر مدرن اروپایی که فضای روشنی را در سبک نقاشان عراقی که از این هنر بهره می‌بردند گسترش می‌یابد. هنرمند معاصر عراق علی‌رغم نفوذ آشکار هنر اروپایی، ارجاعات و ریشه‌های بومی خود را رها نکرد، بنابراین به تلاقی این ارجاعات و شیوه‌های اجرا و کارگردانی پرداخت که قابلیت‌های او را در ابعاد فکری در هنر معاصر را فعال کرد. گروه‌های هنری در عراق برای تحکیم ایده هویت عراقی در شکل‌گیری معاصر عراق و تبلور افق‌های جدید و دیدگاه‌های چندگانه که از تأسیس گروه‌های پیشگام، بغداد برای هنر مدرن آغاز شد، تلاش کردند (al-saeid, 1973: 31) (تصویر ۱).

تصویر ۱: اثر جواد سلیم دهه ۱۹۵۰



(<https://espionart.com>)

بنابراین، هنر معاصر عراق احساسات هنرمند را نشان داد. عراقی و بحران‌های او، خواستار فضایی سازگار با ایده‌های تخیلی است که نیازهای درونی او را برآورده می‌کند که نمونه آن انتخاب تعدادی از آثار هنری او است. ویژگی‌های این امر را در نقاشی گروهی از هنرمندان عراقی مانند (فائق حسن، جواد سلیم، شاکر حسن، کاظم حیدر، علا بشیر، ضیاءالعزای) متوجه می‌شویم (Ibid: 32).

هنر معاصر عراق شاهد پدیدار شدن جنبش‌های هنری متعدد بود؛ از جمله تحول‌هایی که شگفتی‌آور بود، هنر نقاشی بود. از دوران هشتادساله دهه ۱۹۲۰ در عراق، شروع کار نقاشان آکادمیک تا ظهور جنبش‌های هنری مدرن و معاصر، همه این مسیرها در هنر نقاشی عراق جریان داشتند. با اعزام هنرمندان به اروپا در دهه ۱۹۳۰، هنرمندان عراقی با هنرهای مدرن آشنا شدند و پس از بازگشت به وطن، تلاش برای خلق صحنه هنر مدرن عراقی آغاز شد. به طور کلی، صحنه هنر معاصر عراق را می‌توان به سه دوره اصلی تقسیم نمود: دوره اول از زمان سلطنت هاشمی تا لحظه انقلاب (۱۹۲۱ تا ۱۹۵۸)، دوره دوم از زمان رژیم بعث (۱۹۶۸ تا ۲۰۰۳) و دوره سوم از زمان پسا بعثی (۲۰۰۳ تا به امروز). اندیشمندان و هنرمندان در هر یک از این دوره‌ها، تلاش جدی برای ارتقاء هنر و بازنگری در اندیشه‌ها و ایده‌ها داشتند. ساختارهای نوینی چون مدارس هنر، دانشگاه‌ها، موزه‌ها و گالری‌ها در دوره‌های ابتدایی معاصر عراق ایجاد شدند و به هنرمندان امکان آفرینش و توسعه جنبش‌های هنری جدید را فراهم کردند. اوج هنری عراق به دوران اول معاصر مربوط بود؛ جایی که گروه‌هایی چون «گروه پیشگامان»، «گروه امپرسیونیست‌ها» و «گروه هنر مدرن بغداد» شکل گرفتند و اولین نمایشگاه نقاشی در این دوره اجرا شد (URL1). پس از سقوط رژیم حزب بعث در عراق در سال ۲۰۰۳، هنر معاصر این کشور دستخوش تغییرات قابل توجهی شد. این تحولات نه تنها به لحاظ محتوا، بلکه از جنبه فرم و شیوه‌های هنری نیز قابل توجه است. در تحلیل پژوهش به عوامل و شرایط و کارگزاری که موجب این تحولات شده‌اند در این دوره بر اساس آرای گی روزه و موضوعات اصلی مطرح شده در آثار هنرمندان عراقی و نمونه‌هایی از آثار هنرمندان معاصر دوره (پسا بعثی) خواهیم پرداخت.

تجزیه و تحلیل

هنر معاصر به‌عنوان ابزاری برای بیان تحولات اجتماعی و فرهنگی، تجربیات تاریخی عمیقی را در بر می‌گیرد. به‌ویژه پس از سقوط رژیم بعث در عراق، فضای هنری تحت تأثیر بحران‌ها و تغییرات اجتماعی قرار گرفت. با ورود به دوران معاصر، عراق از لحاظ سیاسی و اجتماعی با عهد عثمانی تفاوت‌های زیادی داشت، به طوری که بر اساس ایدئولوژی خلافت اسلامی مدیریت می‌شد و متشکل از مناطق

استانی امپراطوری عثمانی بود. اگرچه در عراق مدرن، اندیشه‌های ملی دولت-ملت سیاست‌ها و اداره کشور را تأسیس نمود؛ همچنین، عراق نه دیگر سه قسمت مجزا از بغداد، بصره و موصل نبود، بلکه به صورت کشوری یکپارچه شکل گرفت و این اتحاد، افزایش جریان‌های ملیت‌پرستانه و هویت ملی را تحریک کرد. این اتفاق منجر به غنی شدن فضای فکری و واضح شدن مسائل از جمله مباحث ملیت‌پرستانه و نشر کتب در این زمینه توسط نویسندگان عراقی گردید. به همین دلیل، هنرمندانی چون جواد سلیم، شاکر حسن السعید و ضیاء عزای به افکار مطروحه ملی آنقدر واکنش نشان دادند که تمایلی به خلق آثار هنری متناسب با هویت ملی عراقی پیدا کردند و از میراث فرهنگی عامه عراقی، هنر باستانی بین‌النهرین و میراث اسلامی عراقی الهام گرفتند (al-Ani, 2019: 245-261) (تصاویر ۲، ۳ و ۴).

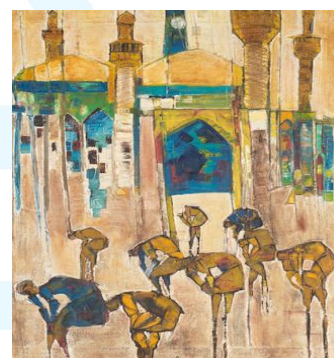
تصویر ۲: شهر، قاضی السعودی تصویر ۳: ضیا العزای، گیلگمش تصویر ۴: بازید الکاظم، العزای



(<https://artiraq.org>)



(www.bonhams.com)



(<https://espionart.com>)

در امتداد تاریخ هنر، دوره دوم فعالیت گروهی هنرمندان با کاهش قابل توجهی روبه‌رو شد و جایگزین آن، گرایش به برگزاری نمایشگاه‌های انفرادی شد که به سرعت رواج یافت. در این دوره، دو گروه برجسته به نام‌های «چشم‌انداز جدید» و «بعد واحد» بر زمینه هنر، نام‌آور شدند. تحولات سیاسی پس از ظهور رژیم بعث، باعث تقسیم هنرمندان بین دو جناح اصلی شد؛ یعنی هنرمندان هنر رسمی بعثی و هنرمندان مستقل. گروه اول، به طور عمده به تأیید و تمجید از شخصیت صدام حسین و سیاست‌های او می‌پردازد؛ اما در آثار گروه دوم، مسائلی چون شومی، وحشت، خشونت، خفقان، نبود آزادی بیان، درد و رنج‌های جنگ ایران و عراق و نقد اوضاع زمان صدام حسین، به صورت استعاری و نمادین به تصویر کشیده می‌شوند (شریفیان، ۱۴۰۰) (URL2) (تصاویر ۵، ۶، ۷).

تصویر ۶: احمد ماهود. بازگشت کشاورزان تصویر ۷: شاکر حسن سعید، دیو و خنجر تصویر ۸: عذاب، علاء بشیر



(<https://artiraq.org>)



(www.bonhams.com)



(<https://espionart.com>)

در دوره سوم از ۹ آوریل ۲۰۰۳ میلادی به بعد دوره جدیدی در تاریخ عراق شروع شده که شاید این دوره را عصر رهایی مردم عراق از حاکمیت کودتاها و دیکتاتوری‌ها دانست. در این دوره گرچه هنوز ثبات کامل سیاسی در عراق حکم‌فرما نشده اما حاصل آن آزادی مردم عراق از حاکمیت حزب بعث است که تجربه دموکراسی را به دنبال دارد. سال‌های اشغال به نابودی جنبش‌های هنر مدرن و معاصر در عراق منجر شده است. مرکز هنرهای صدام غارت شده و مجموعه‌های موجود در ویلاهای حامیان هنر به طور کامل تخریب شد و همه سوابق و کاتالوگ‌های رسمی در طول تخریب کتابخانه ملی هنر از بین رفت و در مارس ۲۰۰۷، شارع‌المتنبی، خانه فروشندگان کتاب بغداد، نابود شد. امروز، یک نسل جدید از هنرمندان عراقی که حالا بخشی از دیاسپورا هستند، به خاطر اثراشان در سطح بین‌المللی بسیار مورد تحسین قرار گرفته‌اند؛ بسیاری از آنها، وقایع تاریخ معاصر عراق را نسبت به تجربیات شخصی‌شان بیان می‌کنند (Jabra, 1356: 16) (URL1).

عوامل، شرایط و کارگزاران تغییر اجتماعی عراق در سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳

تغییر اجتماعی در عراق، به‌ویژه از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳، نتیجه‌ای از مجموعه‌ای پیچیده از عوامل، شرایط و کارگزاران است. این تغییرات عمدتاً به دنبال سقوط رژیم صدام حسین و وقوع جنگ عراق به وقوع پیوست. در تحلیل این دوره طبق نظریه گی‌روشه که به بررسی شرایط تعاملات اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد مطالعه می‌پردازد به بررسی این عوامل و شرایط خواهیم پرداخت و همچنین کارگزاران کلیدی که در این فرایند نقش ایفا کرده‌اند را شناسایی خواهیم کرد.

الف- عوامل تغییر: ۱. عوامل اقتصادی: اقتصاد عراق در سال ۲۰۰۳ تحت تأثیر جنگ و تحریم‌های بین‌المللی قرار گرفت. عدم ثبات اقتصادی، بیکاری بالا و نابرابری اجتماعی باعث شکل‌گیری

نارضایتی‌های عمومی شد. همچنین، فساد مالی و سوء مدیریت منابع نفتی که به‌عنوان ثروت اصلی کشور شناخته می‌شود، به وخامت اوضاع اقتصادی دامن زد. ۲. عوامل سیاسی: سقوط رژیم صدام حسین و ظهور یک نظام دموکراتیک در عراق، تغییرات سیاسی را به همراه داشت؛ اما این تغییرات، به دلیل عدم تجربه کافی در اداره امور سیاسی، منجر به بروز تنش‌ها و درگیری‌های قومی و مذهبی شد. ظهور گروه‌های افراطی مانند داعش نیز نشانه‌ای از ناکامی در ایجاد ثبات سیاسی و اجتماعی در عراق بود. ۳. عوامل اجتماعی: تغییرات اجتماعی در عراق ناشی از تحولات سیاسی و اقتصادی بود. جامعه عراق به سرعت در حال تغییر بود، به گونه‌ای که نسل جدیدی از جوانان با خواسته‌ها و نیازهای متفاوتی نسبت به نسل‌های گذشته به عرصه آمده بودند (UNICEF, 2022) این نسل به دنبال مدرن و بهبود شرایط زندگی خود بود و به همین دلیل، تنش‌های اجتماعی بیشتری نیز به وجود آمد.

ب- شرایط تغییر: شرایط محیطی تغییر، شامل تنش‌های منطقه‌ای و جهانی، تأثیر قابل توجهی بر روند تغییر اجتماعی در عراق داشته است. این شرایط، به‌ویژه در زمینه امنیت و اقتصاد، عاملی تأثیرگذار بر نهادسازی و تعاملات اجتماعی در کشور بوده‌اند.

ج- کارگزاران تغییر: ۱. دولت عراق: به‌عنوان کارگزار اصلی تغییرات اجتماعی، نقش مهمی در تعیین سرنوشت کشور ایفا کرد؛ اما ناکامی در بازسازی بنیادی و عدم توجه به نیازهای اجتماعی و اقتصادی مردم، منجر به افزایش نارضایتی شد. ۲. سازمان‌های غیر دولتی: به‌عنوان واسطه‌هایی برای ترویج حقوق بشر و توسعه اجتماعی عمل کردند. این سازمان‌ها تلاش کردند تا صدای مردم را به گوش مسئولان برسانند و از نهادسازی اجتماعی حمایت کنند. ۳. جامعه بین‌المللی: نیز در این روند سهم قابل توجهی داشت. ورود نیروهای خارجی و کمک‌های بشردوستانه به کشور، تأثیرات قابل توجهی بر روند بازسازی و تغییرات اجتماعی داشت. با این حال، انتقاداتی نیز به نحوه مداخله‌های بین‌المللی وجود داشت که منجر به اختلال در فرایند اجتماعی شد (جدول ۱).

جدول ۱: سه‌گانه‌های تغییر اجتماعی هنر معاصر عراق در سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳ بر اساس مبانی نظری روشه

دوره سوم	عوامل تغییر	شرایط تغییر	کارگزاران تغییر
دوره پسابعثی (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳)	حمله نظامی آمریکا. اشغال آمریکایی‌ها. شورش‌ها عراق، جنگ داخلی، درگیری دولت مرکزی. نهادینه شدن حاکمیت داخلی. اقتصاد. نسل جدید	پرداختن به مسئله دیاسپورا و مسئله «مهاجرت» و «هویت مهاجران». شرایط نامناسب زندگی. فقدان امنیت. غارت. فقر. کشته شدن غیر نظامیان. برابری و عدالت اجتماعی. تحریم و اندیشه‌های سوسیالیستی	دولت. سازمان‌های غیر دولتی. جامعه بین‌الملل. عناصر بالادستی حوزه سیاست و فرهنگ، تولیدکنندگان تجاری. هنرمندان و طراحان. نهادهای مردمی، نخبگان، نیروهای انقلابی، هنرمندان

در نهایت، تغییرات اجتماعی در عراق از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳، نتیجه‌ای از تعامل پیچیده بین عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و همچنین کارگزاران مختلف بود. علی‌رغم چالش‌های فراوان، این کشور شاهد گام‌هایی در جهت پیشرفت و تغییر بود. با این حال، ناکامی در ایجاد ثبات پایدار و حل اختلافات قومی و مذهبی، مانع از تحقق اهداف بلندمدت اجتماعی شده است. استمرار جنگ و خشونت، به همراه ضعف نهادهای دولتی، بر روی روند توسعه اجتماعی تأثیر منفی گذاشته است و نیازمند توجه جدی از سوی سیاستمداران و جامعه بین‌المللی است.

تغییرات محتوایی و فرمی در هنر معاصر عراق پس از رژیم بعث

پس از سقوط رژیم حزب بعث، هنرمندان این کشور به تغییرات عمیق و جدی در محتوای آثار خود پرداخته و به موضوعات اجتماعی و سیاسی توجه ویژه‌ای نشان دادند. دوران پیش از سقوط صدام حسین، هنرمندان عراقی به دلیل فشارهای سیاسی و محدودیت‌های سانسوری، مجبور به استفاده از نمادگرایی و انتزاع در آثار خود بودند و کمتر قادر به بیان مسائل واقعی و ملموس بودند. این وضع، ناشی از فضای خفقان‌آور حاکم بر جامعه بود که خلاقیت و بیان آزاد هنری را به شدت محدود می‌کرد. در ادامه دو بخش تغییرات محتوایی و فرمی موضوع مورد نظر بررسی می‌گردد.

الف- تغییرات محتوایی: با سقوط رژیم بعث و باز شدن فضای سیاسی، هنرمندان عراقی به ثبت و بیان تجربیات شخصی و اجتماعی خود پرداختند. این آثار، به وضوح تحت تأثیر جنگ، خشونت و بحران‌های انسانی قرار دارند. هنرمندان تلاش کرده‌اند تا با تصویر کشیدن درد و رنج مردم، عواقب

جنگ و مشکلات اجتماعی و اقتصادی ناشی از آن، به نقد اجتماعی بپردازند. موضوعات اصلی مانند مضامین مربوط به جنگ و آسیب‌های اجتماعی به طور خاص بازتاب‌دهنده تجربیات عمیق جمعی مردم عراق است. هنرمندان با استفاده از هنر به شکلی احساسی و انتقادی به این مشکلات پرداخته و سعی دارند که احساسات برانگیزاننده‌ای در مخاطبان ایجاد کنند. علاوه بر این، هویت و مهاجرت به یکی از دغدغه‌های اصلی هنرمندان تبدیل شده است. در این دوران، هنرمندان به بررسی هویت‌های چندگانه و تبعات اجتماعی ناشی از مهاجرت پرداخته‌اند تصاویر (۸، ۹).

تصویر ۸: سیروان باران، بار سنگین جنگ، رنگ‌روغن، صحنه‌هایی از تجربه شخصی هنرمند



(<https://al-ain.com>)

تصویر ۹: نقاش نخبه علی نعمه



(<https://wooarts.com>)

موضوع حقوق بشر و نقض آن نیز به شدت در آثار هنری ارائه شده توسط هنرمندان عراقی نمایان است. برخی از آثار به انتقاد از وضعیت کنونی و فراخوانی برای تغییر ایجابی می‌پردازند که نمایانگر تعهد این هنرمندان به بهبود وضعیت اجتماعی و ارتقاء آگاهی عمومی است (تصویر ۱۰) (Khalil, 2019: 247). همچنین مسائل مربوط به زنان، شامل خشونت علیه زنان و جستجوی هویت جدید در این زمینه، نیز به نوعی از محورهای بررسی آثار هنرمندان واقع شده است (تصویر ۱۱).

تصویر ۱۱: چهره یک زن اثر ریاض نعمه



(Ibid)

تصویر ۱۰: ایاد القاضی، قیمت یک بشکه نفت



(www.marginalia)

تغییرات فرمی: از نظر فرم، هنر معاصر عراق دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که به وسیله ادغام تکنیک‌های نوین و رسانه‌های مختلط با عناصر سنتی و فرهنگی این سرزمین نمایان می‌شود. هنرمندان عراقی تلاش کرده‌اند تا با تلفیق هنر معاصر و سنت‌های چند هزارساله پیوندی بین گذشته و حال برقرار سازند و به این ترتیب زبان هنری غنی و متنوعی ایجاد نمایند. این تغییرات فرمی به تولید آثار زیبا و جذاب و در عین حال به بیان نظرات و انتقادات هنرمندان در سطحی نوآورانه منجر شده است. به جای استفاده از قالب‌های قدیمی، هنرمندان از رسانه‌های جدیدی مانند ویدئوآرت، مجسمه‌سازی معاصر و هنرهای تعاملی استفاده کرده‌اند که به انتقال مؤثر پیام‌های آنان کمک کرده است. این تحولات هنری نه تنها روش‌های جدیدی برای ابراز احساسات اجتماعی و سیاسی فراهم کرده، بلکه به صورت قابل توجهی بر الهام‌بخشی و خلاقیت هنرمندان تأثیر گذاشته است (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

تصویر ۱۲: ایاد الکادی، من بغداد سوم هستم تصویر ۱۳: کریم راسن سه پرتره از یک شخص ۲۰۱۵



(www.bonhams.com)



(www.aalkadhi.com)

در نهایت، بررسی تغییرات محتوایی و فرمی در هنر معاصر عراق پس از رژیم بعث، نمایانگر تحول عمیق در این عرصه است. هنرمندان عراقی با انتخاب موضوعات اجتماعی و سیاسی و بهره‌گیری از تکنیک‌ها و رسانه‌های نوین، نشان داده‌اند که هنر می‌تواند ابزاری کارآمد برای بیان دردها، امیدها و خواسته‌های جامعه باشد. این تغییرات نه تنها بازتاب‌دهنده واقعیت‌های جاری عراق است، بلکه فرصتی برای بازسازی هویت جمعی و پایداری فرهنگی این کشور فراهم می‌آورد.

بحث و نتیجه

عراق به‌عنوان یک کشور با تاریخچه‌ای پر فراز و نشیب از دوران باستان تا معاصر، این کشور تحت تأثیر فرهنگ‌ها و سیاست‌های مختلف قرار گرفته است. دوره سوم هنر معاصر عراق بر اساس مبانی نظری تغییرات اجتماعی گوی‌روشه (عوامل تغییر، شرایط تغییر و کارگزاران تغییر) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و این دوره (۲۰۰۳ تا ۲۰۲۳) شاهد تغییرات اجتماعی عمیقی بود که ناشی از تأثیر متقابل پیچیده عوامل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بود. این دگرگونی‌ها به وضوح در صحنه هنر معاصر کشور منعکس شده و نشان‌دهنده رابطه پیچیده بین تغییرات اجتماعی و بیان هنری است. هنرمندان عراقی با درگیر شدن در موضوعات اجتماعی و سیاسی از طریق تکنیک‌ها و رسانه‌های نوآورانه، توانایی هنر را در بیان تجربیات جمعی، امیدها و چالش‌های یک ملت در نوسان ثابت کرده‌اند. تکامل هنر معاصر عراق در دوران پس از بعث نشان می‌دهد که چگونه بیان خلاق می‌تواند به‌عنوان ابزار قدرتمندی برای تفسیر اجتماعی و حفظ فرهنگی عمل کند. هنرمندان به موضوعاتی از بی‌ثباتی سیاسی و درگیری‌های فرقه‌ای گرفته تا مبارزه برای هویت ملی پرداخته‌اند و به طور مؤثر روایتی بصری از تاریخ اخیر عراق

خلق کرده‌اند. این جنبش هنری نه تنها منعکس‌کننده تغییرات اجتماعی جاری است، بلکه نقش مهمی در شکل دادن به گفتمان عمومی و پرورش حس هویت مشترک در میان تنوع ایفا کرده است. با این حال، مسیر رو به جلو برای جامعه عراق و صحنه هنری آن با چالش‌هایی پربار باقی می‌ماند. بی‌ثباتی مداوم، نهادهای دولتی ضعیف و تنش‌های قومی و مذهبی حل نشده همچنان مانع از اهداف بلند مدت توسعه اجتماعی می‌شود. این مسائل به طور اجتناب‌ناپذیری بر دنیای هنر تأثیر می‌گذارد و هم موانع و هم فرصت‌هایی را برای بیان خلاق ارائه می‌دهد. همان‌طور که عراق در چشم‌انداز اجتماعی پیچیده خود حرکت می‌کند، نقش هنر معاصر در مستندسازی، نقد و التیام بالقوه زخم‌های اجتماعی به طور فزاینده‌ای قابل توجه می‌شود. در نتیجه، تغییرات اجتماعی عراق و صحنه هنر معاصر آن عمیقاً درهم تنیده شده‌اند و هر یک بر دیگری تأثیر می‌گذارد و منعکس‌کننده آن است. در حالی که کشور با چالش‌های مداوم دست و پنجه نرم می‌کند، انعطاف‌پذیری و خلاقیت نشان داده شده توسط هنرمندان عراقی بارقه‌ای از امید را نشان می‌دهد. کار آنها نه تنها به‌عنوان شاهدی بر مبارزات و آرزوهای ملت عمل می‌کند، بلکه بستری برای گفتگو، حفظ فرهنگی و بازاندیشی هویت جمعی فراهم می‌کند.

فهرست منابع

منابع فارسی

- ۱- حسینی، سیدسعید، و مریدی، محمدرضا (۱۳۹۷). مطالعه تطبیقی هنر ایران و ترکیه در بستر تحولات اجتماعی دوران مدرن. نشریه علمی پژوهشی نامه هنرهای تجسمی و کاربردی، ۱۱ (۲۱)، ۱۰۱-۱۲۰.
doi: 10.30480/vaa.2018.676
- ۲- حیدری، طاهره (۱۴۰۳). بررسی بازتاب تاریخ سیاسی معاصر عراق در آثار میسلون هادی با تکیه بر نقد جامعه‌شناسی پدیدآورنده. در همایش ملی ادبیات مقاومت. مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ادبیات مقاومت.
- ۳- خدایی، زهرا (۱۳۹۰). چالش‌های دموکراسی‌سازی در عراق پس از صدام. *مطالعات خاورمیانه*، ۱۸ (۴)، ۳۵-۵۸.
- ۴- ریشه، گی (۱۳۹۹). تغییرات اجتماعی. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی، چاپ بیست و هشتم.
- ۵- ریحانی، جاسم (۱۳۹۲). درآمدی بر شناخت تحولات سیاسی عراق؛ انتفاضه مردم در نوامبر ۱۹۵۲. *مطالعات خاورمیانه*، ۲۰ (۴)، ۱۲۵-۱۳۹.
- ۶- سلامی، محمد (۱۳۹۰). تعارضات و منابع تنش در مناسبات ایران و عراق پس از صدام. *مطالعات خاورمیانه*، ۱۸ (۱).
- ۷- شریفیان، شکیبا. هنر معاصر عراق، وارث تاریخی پرتنش؛ ایدئولوژی، دیاسپورا، هویت عراقی. وبسایت شکیبا شریفیان.
<http://www.academyhonar.com/authors/45>
- ۸- کلاه کج، منصور (۱۴۰۰). تأثیر تغییرات اجتماعی بر یکصد سال گرافیک معاصر ایران (براساس نظریه تغییر اجتماعی، گی ریشه. نگارینه هنر اسلامی، ۸ (۲۱)، ۹۸-۱۱۱.
doi:10.22077/nia.2021.4333.1464

۹- محمدی، آرزو (۱۳۹۷). ژئوپلیتیک خاورمیانه: تاریخچه، تفاوت‌ها و تنش‌ها. فصلنامه مطالعات جهان/اسلام، ۸ (۲)، ۱۱۵.

منابع غیر فارسی

- 1- Abdul-Hamid al-Ani, M. (2019). The Emergence of Nationalist Thought and Artistic Expression in Modern Iraq. *Journal of Middle Eastern Studies*, 35(2), 245-261.
- 2- Al-Sadoun, M. (2014). Contemporary Arab Art from a Global Perspective. *Journal of Art and Design*, 1(1), 117-123.
- 3- Alwan, Ala. (2014). Continuing progress in the priority health areas: actions for Member States and WHO. *EMHJ-Eastern Mediterranean Health Journal*, 20 (11), 679 - 680. World Health Organization, Regional Office for the Eastern Mediterranean.
<https://iris.who.int/handle/10665/255384>
- 4- Jabra, I. J. (1986). *The Grass Roots of Iraqi Art*. London: Wasit Graphic and Publishing
- 5- Khalil, A. (2019). Ethnic and sectarian conflicts in Iraq: A complex tapestry. *International Journal of Middle East Studies*, 51(2), 241-257Incomplete
- 6- Saad, Qassim. (2008) *Contemporary Iraqi Art: Origins and Development– Scope (Art)*, 3.
- 7- Salim, N. (1977). *Iraq Contemporary Art, Vol. I. Painting*. Milan: Cooperativa Edizioni Jaca Book.
- 8- Salinger, P. & Laurent, É. (1991). *Secret dossier: The hidden agenda behind the Gulf War*. London: Penguin Books.

۹- السعيد، شاکر حسن. (۱۹۷۳). البيانات الفنانية في العراق. بغداد: وزارة الثقافة و العالم.

۱۰- جبرا، جبرا ابراهيم. (۱۹۷۲). الفن العراقي المعاصر. مهرجان الواسطي، بغداد: وزارة العالم.

منابع اینترنتی

- ۱- شریفیان، شکيبا (۱۴۰۰) هنر معاصر عراق، وارث تاریخی پر تنش؛ ایدئولوژی، دیاسپورا، هویت عراقی.
- 2- URL1: <http://www.academyhonar.com>
- 3- URL2: <https://www.bonhams.com>